

## اسماء الوحيين

سرشناسه: فلویبیرگ، بنت، ۱۹۵۲- م. - Flyvbjerg, Bent, 1952-  
عنوان و نام پدیدآور: احیای علوم اجتماعی یا عقل عملی: چرا تحقیقات  
اجتماعی شکست می‌خورد و چگونه می‌تواند دوباره موفقیت خود را بازیابد؟  
بنت فلویبیر؛ مترجمان محمدحسین بادامچی، امیرحسین بازوبندی؛  
ویراستار پوریا گل‌شناس.

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری،  
پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۶۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۰۹۹-۱-۸

یادداشت: عنوان اصلی:

Making social science matter. why social inquiry fails and how it can  
succeed again, 2001.

موضوع: علوم اجتماعی -- فلسفه -- Philosophy -- Social sciences

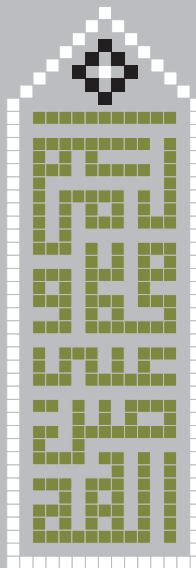
شناسه افزوده: بادامچی، محمدحسین، ۱۳۶۶-، مترجم

شناسه افزوده: بازوبندی، سیدامیرحسین، ۱۳۷۲-، مترجم

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

رده‌بندی کنگره: H۶۱ رده‌بندی دیویی: ۱/۳۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۷۸۳۱۰



# احیای علوم اجتماعی با عقل عملی

چرا تحقیقات اجتماعی شکست می‌خورد  
و چگونه می‌تواند دوباره موفقیت خود را بازیابد؟

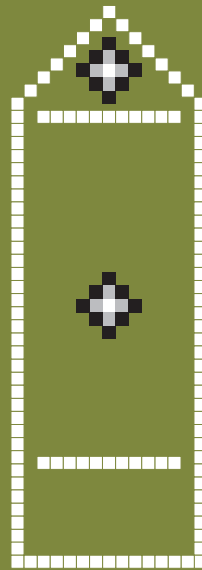
بنت فلویبر

مترجمان:

محمد حسین بادامچی

(عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف)

و امیرحسین بازوبندی





پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
احیای علوم اجتماعی با عقل عملی  
چرا تحقیقات اجتماعی شکست می خورد  
و چگونه می تواند دوباره موفقیت خود را بازیابد؟

نویسنده: بنت فلویبر

ترجمه: محمدحسین بادامچی / امیرحسین بازویندی

ویراستار: پوریا گل شناس

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه آرا: احمد الهی

چاپ نخست: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۰۹۹-۱-۸

نشانی:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری، پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲  
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۲۳



با اسکن  
رسانیه از  
دیجی‌آر-آر  
پژوهشکده  
آر-آر  
شعبه

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



تقدیم به فاطمه، مهتابِ یلداى من



محمد حسین بادامچی

## فهرست مطالب



۸ پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

۱۲ مقدمه مترجم



۲۳ تقدیر و تشکر

۲۷ پیش‌درآمد: جنگ‌های میان علوم؛ راهی به برون‌رفت

۲۸ عقده حقارت در برابر فیزیک و جادوگران پیشاکانتی

۳۰ خوب یا بد؟

۳۲ فضیلت گم شده

۳۴ مروری مختصر



۳۶ بخش نخست؛ چرا علوم اجتماعی در کسوت یک علم شکست خورده است؟

۳۷ فصل نخست: عقلانیت، بدن و شهود در یادگیری انسان

۳۹ ورزیدگی و تبجر در یادگیری انسان

۵۹ عقلانیت، ناعقلانیت، فراعقلانیت

۶۳ زمینه، تجربه و شهود

۶۷ فصل دوم: آیا نظریه در علم اجتماعی امکان‌پذیر است؟

۶۹ جاه‌طلبی نظری

۷۳ موانع لغزش هرمنوتیکی

۷۷ علوم پیشاپارادایمی

۸۰ اشیای مرده، انسان‌های خوداندیشنده

۸۶ معنابخشی و بی‌معنایی

۸۹ فصل سوم: به حساب آوردن زمینه

۹۰ پارادوکس مهلک نظریه اجتماعی

۹۴ پیرسشی از شیوه

۹۷ بازی همان قواعد بازی نیست

۱۰۰ اقتصاد به عنوان دانش مرتبه دوم

۱۰۴ فراتر از نظریه



۱۱۰ بخش دوم؛ علوم اجتماعی چگونه می‌تواند دوباره احیا شود؟

۱۱۱ فصل چهارم: ارزش‌ها در تحقیقات اجتماعی و سیاسی

۱۱۲ عقلانیت معطوف به ارزش و عقلانیت ابزاری

۱۱۶ ارسطو در باب معرفت نظری، فن و عقل عملی

۱۲۱ اولویت امر جزئی

۱۲۶ آنجا که علوم طبیعی ضعیف و علوم اجتماعی قوی است

۱۳۰ نمونه‌ای از علوم اجتماعی با رویکرد عقل عملی

فصل پنجم: قدرت مثال	۱۳۵
سقراط، افلاطون و موارد منفرد	۱۳۸
نقش موارد خاص در یادگیری انسان	۱۴۵
موارد خاص به عنوان «قوهای سیاه»	۱۴۹
مورد پژوهی و «موردیابی»	۱۵۷
سوگیری به سمت تأیید یا ابطال؟	۱۶۴
کیفیت تقلیل‌ناپذیر روایت‌های برآمده از موردهای خوب	۱۶۹
فصل ششم: اهمیت تعارض و قدرت برای علوم اجتماعی	۱۷۵
مطلقاً مدرن بودن	۱۷۷
دموکرات نیچه‌ای	۱۹۴
قدرت: مقوم علوم اجتماعی	۲۱۰
فصل هفتم: توانمندسازی ارسطو	۲۱۵
ارسطو، نیچه و فوکو	۲۱۷
تاریخ واقعی، حقیقت مؤثر	۲۲۱
مسئله «چگونگی» در قدرت	۲۲۷
قدرت، عقلانیت و حقیقت	۲۳۹
فصل هشتم: رهنمودهای روش شناختی برای احیای علوم اجتماعی	۲۴۹
تمرکز بر ارزش‌ها	۲۵۲
جادادن قدرت در هسته تحلیل	۲۵۴
نزدیک شدن به واقعیت	۲۵۵
تأکید بر چیزهای کوچک	۲۵۷
نگاه به عمل قبل از گفتن	۲۵۸
مطالعه موردی و زمینه‌ای	۲۶۱
روایتگری با پرسش از «چگونگی»	۲۶۳
ادغام عاملیت و ساختار	۲۶۴
گفت‌وگو با چندصدایی	۲۶۷
علوم اجتماعی مبتنی بر عقل عملی	۲۶۸
فصل نهم: مثال‌زدن و نشان‌دادن؛ روایت‌هایی از ارزش و قدرت	۲۷۱
یک اتفاق	۲۷۲
نقطه کور مدرنیته	۲۷۵
آلبورگ و فلورانس	۲۷۶
به کجا می‌رویم؟	۲۷۹
چه کسی و با کدام سازوکار قدرت، برنده و چه کسی بازنده است؟	۲۸۴
آیا مطلوب است؟	۲۹۴
چه باید کرد؟	۲۹۶
فصل دهم: علوم اجتماعی احیاشده	۳۱۵





## پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



زمانی نزدیک به دو قرن از ولادت علوم اجتماعی آن چنان که امروز می‌شناسیم می‌گذرد و آن قلمروهای معرفتی در طول این دوران چرخش‌ها و تحولات مهمی را از سرگذرانده‌اند. مسلماً در پیدایش علوم اجتماعی مدرن زنجیره‌های متعددی از علل و عوامل معرفتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخالت داشته است؛ اما در این میان تأثیرات درخشش و موفقیت علوم طبیعی در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی چیزی است که هیچ تحلیلی آن را از قلم نمی‌اندازد. این تأثیرات چنان است که احتمالاً بتواند مهم‌ترین نیرو و برانگیزندهٔ زمانه مذکور تلقی شوند.

می‌دانیم که غرب مسیحی، ملول از چندین سده مشاجرهٔ کلامی و فلسفی، خود را نیازمند زمین سفت و جای پای محکمی برای استوارکردن بنیادهای نظم و نظام معرفتی جدید می‌دید. بنیاد پیشین الهیاتی نه فقط به واسطهٔ انشقاق مذهبی و منازعات فرقه‌ای، که به سبب عدم مناسبت با روح زمانه و روندهای عینی و انضمامی، متزلزل و نامطمئن می‌نمود و از این رو، طلب و تمنای اساسی نوین تمنای اصیل و جدی بود. جهان‌بینی علمی گالیله-نیوتنی با دقت و اتقان شگفت‌آور خود پاسخی مناسب به آن طلب می‌نمود. این جهان‌بینی نه تنها قادر بود که همهٔ پرسش‌های مربوط به نظم کیهان و طبیعت را به نحوی کفایت‌مندانانه پاسخ گوید، که از آغاز خود را واجد ظرفیتی مهم نشان داد که برای

نظم نوظهور غربی اساسی و تعیین‌کننده بود. ظرفیت علوم طبیعی در مهار و کنترل طبیعت و به خدمت گرفتن نیروهای آن در جهت مقاصد دنیایی چشم‌آزمند و سرپرسودای انسان مدرن غربی را به‌طور مضاعف خیره و مدهوش می‌ساخت. بدین ترتیب، این علوم و منطق و روش‌شناسی آن‌ها برای این نظم تمدنی به چیزی فراتر از آنچه بدواً به نظر می‌رسید، بدل شد. علم جدید بنیادی برای همه چیز و پاسخی برای همه پرسش‌ها دانسته شد، دانشمندان شأنی همچون پیامبران و قدیسان یافتند و نگرش علمی شور و حرارتی همچون نوعی ایمان مذهبی برانگیخت.

متوقع است که در چنین فضایی پرسش از شئون و مسائل حیات فردی و جمعی آدمی نیز به دست همین اکسیر نجات‌بخش سپرده شود. روش و چهارچوبی که اسرار آفاق را یک‌به‌یک گشوده و اسب سرکش آن را دست‌کم در پندار خود به مهمیز کشیده است، چرا نتواند معماهای انفس را نیز حل و فصل کند و یک‌بار برای همیشه به مناقشات و مشاجرات اهل نظر دربارهٔ جامعه و حکومت و ثروت و اخلاق پایان دهد؟ بدین ترتیب، دوران اوج فتوحات علوم جدید در قرن هجدهم میلادی، ایدهٔ مطالعه علمی انسان نیز پای به عرصه نهاد و در طی سده‌های بعد خود را در قالب آنچه ما امروز علوم اجتماعی می‌نامیم، متمثل کرد. ویژگی آغازین جملگی این علوم اجتماعی آن بود که در

طلب مطالعه و شناخت موضوع خود با روش مجرب علوم طبیعی و با همان سطح از دقت و اتقان بودند.

از همان نخستین مراحل روشن گردید که مسیر ساختن چیزی همچون «فیزیک اجتماعی» و امثال آن مسیری هموار نیست و سرشت خاص فاعل انسانی، با آگاهی و اراده و نیت‌مندی او و درهم آمیختگی کنش‌هایش و هرگونه رهیافت معرفتی به آن‌ها با قلمروی ارزش‌ها، مانعی در برابر طلب مذکور است. این هستی‌گشوده و نامتعیین به سادگی تن به دانش نظری و تجربی از آن سنخ که در علوم طبیعی حاصل شده نمی‌دهد. از اینجاست که بحران به مثابه ویژگی غیرقابل انفکاک علوم اجتماعی رخ می‌نماید.

مواجهه با بحران در میان اصحاب علوم اجتماعی شیوه‌ها و مکاتب گوناگونی را پدید می‌آورد. بخشی با به رسمیت شناختن تفکیک معرفت‌شناختی انسان و طبیعت، از ایده اولیه عدول کرده و علوم اجتماعی را در امتداد نوعی نگرش تاریخی دنبال می‌کنند. برخی دیگر با نوعی نسبی‌گرایی شکاکانه امکان علم اجتماعی فراتر از نوعی روایت و ادبیات را مورد تردید قرار دادند. در عین حال، شماری نیز با تلاش برای حفظ ایده نخستین و روزآمد ساختن آن در سنگر علم اجتماعی طبیعت‌گرایانه باقی ماندند. یکی از آخرین و رادیکال‌ترین نسخه‌های این رویکرد، دیدگاه مشهور به شناخت‌گرایی و علوم شناختی است که در

سایه پیشرفت‌های علوم عصب‌شناختی و شناخت عملکردهای اندام زیستی (همچون مغز) در پی انحلال علوم اجتماعی در علوم طبیعی است. در هر حال، این بحران هنوز استمرار دارد و رویکردهای متخاصم حول آن با طرح و تبیین ادله خود و نقد و جرح مواضع رقبا به کارزاری مستمر مشغولند.

کتاب حاضر چنان که خود به صراحت روشن ساخته ناظر به همین مناقشه نظری نگاشته شده است. مسئله بحران در علوم اجتماعی و امکان فراروی از آن مسئله محوری نویسنده داناکی در این کتاب است؛ اما آنچه به حاصل تلاش بنت فلویبر جلوه و اهمیت خاص می‌دهد، آن است که به نحوی بدیع و کم‌سابقه خروج از بحران علوم اجتماعی معاصر را از مسیر به روزآوری و احیای یکی از مفاهیم اساسی فلسفه کلاسیک، یعنی فرونیسیس یا عقل عملی، تمهید نموده است. در این مسیر او در عین حال که چشم‌اندازی از عبور از بحران مژمن علوم اجتماعی معاصر به دست می‌دهد، اما با برخی از محوری‌ترین مبانی و مضامین آن همچون عام‌گرایی، نگرش قانون بنیاد، پیش‌بینی‌پذیری و بی‌طرفی اخلاقی و ارزشی تسویه حساب می‌کند. از این جهت، کتاب حاضر با بداعت رویکرد و ظرافت تحلیلی و انتقادی خود، برای عموم اصحاب فلسفه و علوم اجتماعی، به‌ویژه کسانی که دل مشغول نسبت این علوم با زمینه جامعه ایران و چگونگی از آن خود کردن علوم اجتماعی توسط ایرانیان هستند، آموزنده و پراستفاده خواهد بود. ان‌شاء‌الله.



## مقدمه مترجم



در طول پنج سالی که از نگارش رسالهٔ دکتری ام می‌گذرد که در آن کوشیده بودم خوانشی معاصر از علم مدنی ابونصر فارابی، مؤسس فلسفهٔ اسلامی و اولین و مهم‌ترین فیلسوف سیاسی مسلمان عرضه کنم، بسیار تلاش کردم که نگاه اصحاب علوم اجتماعی، به‌ویژه آن دسته از افراد و سازمانهای دولتی و فرادولتی را که دم از علوم انسانی اسلامی می‌زنند و مأموریت رسمی‌شان نیز در همین راستاست، به اهمیت این خوانش معاصر از علم مدنی فارابی جلب کنم. تا اینکه در ادامهٔ تحقیقاتم با بنت فلوییر و این کتاب او آشنا شدم. وقتی امیرحسین بازوبندی، همکار باپشتکار و مشتاقم، چند باری پیگیر شد که در ادامهٔ خط فکری آن رساله کتابی را به‌کمک هم ترجمه کنیم، علی‌رغم همهٔ گرفتاری‌های معمول و دشواری یک ترجمهٔ مسئولانه، بی‌دزنگ به یاد این کتاب افتادم. به نظر رسید که اگرچه در زمانهٔ ما قدر نوآوری‌های پژوهشی و تفاوت انبان‌انبان لفاظی کم‌مایه و بی‌محتوا با نقش سرخ و سیاه خونِ جگر و

۱. محمد حسین بادامچی، نقد تمدن غرب معاصر بر پایهٔ فلسفهٔ مدنی فارابی؛ در تطبیق با آراء آرنست و پوپر، به راهنمایی حجت‌الاسلام دکتر محسن رضوانی و مشاورهٔ دکتر عبدالحسین کلانتری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، ۱۳۹۵.

2. Flyvbjerg, B. (2001). *Making Social Science Matter: Why Social Inquiry Fails and How it Can Succeed Again* (S. Sampson, Trans.). Cambridge: Cambridge University Press. doi:10.1017/CBO9780511810503.

سینه پرود چرخ محققان فهمیده نمی‌شود، اگر اندیشمندی چون بنت فلویبر از دانشگاه آکسفورد، آن‌هم نه از خاستگاه دیارتمان فلسفه، بلکه در فنی‌ترین و کاربردی‌ترین حوزه مطالعات علوم اجتماعی و مدیریت، یعنی برنامه‌ریزی شهری، مطلبی را در اهمیت عقل عملی کلاسیک طرح کند، احتمال بیشتری دارد که ذهن‌های زنگار بسته و سطحی‌تلقی بخورد؛ به‌ویژه اگر سخن بر سر احیای علوم اجتماعی و نجات حرفه برنامه‌ریزی‌ای در میان باشد که صدای قدیمی‌تر شکست آن‌ها هنوز در ایران به درستی به گوش نرسیده است.<sup>۱</sup>

بنت فلویبر، استاد سابق دانشکده برنامه‌ریزی دانشگاه آلبورگ دانمارک و صاحب کنونی کرسی مدیریت ابرپروژه‌ها در مدرسه کسب‌وکار سعید در دانشگاه آکسفورد<sup>۲</sup> است که در پژوهشی کم‌نظیر و باورنکردنی برای ما که مرزهای دیسپلین‌های آکادمیک را تا مرز تقدس در ایران می‌ستاییم، بعد از سال‌ها تأمل انتقادی و تجربه عملی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و توسعه، در این کتاب می‌کوشد میان این حوزه و آخرین تحولات فکری و روش‌شناختی در اروپا و آمریکای پسامدرن پل بزند و با هدف پشتیبانی از یک نظریه برنامه‌ریزی شهری و توسعه‌ای آلترناتیو، طرحی بسیار اساسی یعنی احیای علوم اجتماعی بر پایه عقل عملی ارسطویی (علوم اجتماعی فرونتیک) را شجاعانه پیش‌نهد و بر پایه آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بدیلی مبتنی بر عقل عملی تأسیس کند که تفصیل آن را در تنها کتابی که به صورت مجموعه مقالات از فلویبر به فارسی ترجمه شده و متکی به محتوای این کتاب است، می‌توان دنبال کرد.<sup>۳</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: محمدحسین بادامچی، «برنامه‌ریزی بدون نظریه؛ صدای شنیده‌نشده فروپاشی برنامه‌ریزی تکنوکراتیک در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۴۰۱.

2. First BT Professor and Inaugural Chair of Major Programme Management at Oxford University's Saïd Business School.

۳. بنت فلویبر، برنامه‌ریزی فرونیسیس قدرت، ترجمه نریمان جهانزاد، تهران: کتابکده کسری، ۱۳۹۸.

فلویر در این کتاب نشان می‌دهد که از میان سه میراث ارسطویی، «معرفت نظری» (اپیستمه) و «فن» (تخنه) و «عقل عملی» (فرونسیس)، دو تای اول به واسطه علم و فناوری و اشکال کلی برنامه‌ریزی و حکمرانی برآمده از آن به دوره مدرن منتقل شده است. اما عقل عملی در دوره مدرن هیچ مابازایی ندارد؛ در حالی که احیای آن می‌تواند راز احیای علوم اجتماعی و عقلانیت ابزاری و نجات عقلانیت علمی تکنیکی مدرن از ناتوانی کنونی آن باشد. فلویر در این کتاب مباحثات گروهی از نورسطویان متأخر را پیش می‌کشد که برخلاف خوانش فلسفی رایج در ایران، می‌کوشند ارسطو را نه بر پایه کتاب متافیزیک او، بلکه بر پایه کتاب اخلاق او در سنت ضدافلاطونی و ضدمتافیزیکی ماکیاولی-نیچه-هایدگر-فوکو تفسیر کنند. از این جهت، این کتاب در ادامه آثار بعضاً ترجمه نشده گادامر، مک اینتایر، دریفوس و برنشتاین قرار دارد. افزون بر این، فلویر در نزاع میان هابرماس و فوکو درباره کارآمدی عقلانیت ارتباطی به مثابه آلترناتیو عقلانیت پوزیتیویستی-تکنوکراتیک، جانب فوکو را می‌گیرد و با انتقاد از ایده آلیستی بودن اندیشه هابرماس و ضعف آن در فهم مسئله قدرت، به جای آن می‌کوشد عقل عملی ارسطویی را با بهره‌گیری از بینش‌های فوکویی غنا بخشد.

در اینجا، لازم است نکات چندی را درباره ترجمه کتاب خاطر نشان شوم:

۱. درباره عنوان کتاب، چون معادل فارسی «موضوعیت دادن به علوم اجتماعی» یا «مهم کردن علوم اجتماعی» معنای خاصی را در زبان فارسی به ذهن متبادر نمی‌کند، لازم بود از تعبیری استفاده شود که جدی بودن مسئله و طرح افقی متفاوت را نشان دهد. از آنجا که در ایران، اخیراً مبحث تاحدی مشابهی در اعاده فلسفه سیاسی کلاسیک با تعبیر «احیای علوم سیاسی»<sup>۱</sup> در

۱. حسین بشیریه، احیای علوم سیاسی، تهران: نی، ۱۳۹۸.

قلمرو علوم سیاسی طرح شده است، به نظر می‌رسد «احیای علوم اجتماعی با عقل عملی» عنوان مناسبی برای جامعه‌فلسفه فارسی زبان است.

۲. درباره ترجمه واژه «اپیستمه» باید خاطرنشان کنم که گروه واژگان مرتبط با اپیستمه، یعنی کلمات تئوریک و نظری و معرفتی در این کتاب، تیز و معنادارند و در تمایز از واژگان عملی به کار می‌روند. به دلیل چرخش از نظر به عمل در فلسفه و اندیشه غربی در قرن بیستم و به ویژه پس از تحولات معرفت‌شناختی دهه ۱۹۶۰ میلادی، به نظر می‌رسد به برخی دلایل، مثل غلبه سنگین سنت فلسفی-عرفانی اپیستمیک و رواج خوانش خاصی از نیچه و هایدگر و پست‌مدرنیسم در ایران، دریافت چندانی از این مفهوم وجود ندارد.<sup>۱</sup> معادل اصطلاح اپیستمیک بر پایه واژگان فارابی که به واسطه پژوهش قبلی نگارنده مبنای مستحکم برای فهم اسلامی-ایرانی طرح نوین فلویبر محسوب می‌شود که قلمرو متافیزیک، طبیعیات، ریاضیات و الهیات را در بر می‌گیرد، «نظری» (در مقابل عملی) است و به همین دلیل اپیستمه را «معرفت نظری» و به همین سیاق اپیستمولوژی را به شکل متعارف «معرفت‌شناسی» ترجمه کرده‌ایم. و در عین حال، گهگاه برای معلوم شدن تأکید نویسنده و معنای خاص و تیز واژگان معرفتی/نظری، اصل اصطلاح، یعنی واژه «اپیستمیک» را در پرانتز آورده‌ایم. در واقع، درک نقد فلویبر بر استیلای اپیستمیک اندیشی در ایران نظریه‌زده امروز که در آن همواره دانش‌ها به مبانی معرفت‌شناختی شان تقلیل داده می‌شوند و از نقطه‌ای به کلی اشتباه به بحث و تحلیل و نقد و بررسی گذاشته می‌شوند، موضوعیتی مضاعف دارد.

۱. نگارنده در یک مقاله شفاهی به طرح این موضوع پرداخته است. درباره شنیده‌نشدن صدای چرخش عملی دهه ۱۹۶۰ میلادی در روش‌شناسی ایرانی، نک: تأملی از منظر جامعه‌شناسی روش تحقیق در ایران پس از انقلاب، ارائه مقاله شفاهی محمدحسین بادامچی در دومین همایش ملی مطالعات روش تحقیق در علوم اجتماعی ایران، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، آذر ۱۴۰۰.

۳. درباره ترجمه واژه «فرونسیس» و مشتقات آن، یعنی «فروتیک» و «فرونیموس»، به چند دلیل لازم دانستیم که برای پرهیز از سوء تفاهم آن را به «حکمت عملی» ترجمه نکنیم. یک نمونه گویا که نشان دهنده فاصله بسیار زیاد و بنیادین میان فرونسیس و حکمت عملی که در سنت فلسفه اسلامی به کار می رود، کتاب به تازگی منتشر شده جایگاه شناسی حکمت عملی<sup>۱</sup> است که حکمت عملی را به صورت مفهومی نظری و دقیقاً در خلاف جهت معنای فرونسیس در این کتاب مطرح کرده است. خود فلوییر نیز برای فرونسیس معادلی انگلیسی نیاورده است و همواره اصطلاح لاتین phronesis را به جای معادل های معمول انگلیسی نظیر «خرد عملی» Practical wisdom یا «دوران دیشی» prudence کار برده است و دلیل آورده است که این اصطلاح و مشتقات آن وارد زبان های مدرن نشده است. در واقع، به رغم توانایی خود زبان و فرهنگ فارسی در کاربرد خاص واژه «حکمت» و «حکیم» (مثلاً درباره پزشکان یا تعبیر لقمان حکیم) که به نوعی قوه عملی در تمیز موقعیت مند و غیرقاعده محور درست از نادرست اطلاق می شود که هم اخلاقی و هم فنی است و در عین حال، فراسوی مهارت صرف یا تشخیص نظری صرف قرار دارد و به معنای فرونسیس در این کتاب بسیار نزدیک است، کاربرد تخصصی اصطلاح حکمت عملی به ویژه در دستگاه مدرسی که آن را طفیلی حکمت نظری می پندارد، مانع از این می شود که بتوانیم

۱. سیدحمیدرضا حسنی و هادی موسوی، جایگاه شناسی حکمت عملی؛ در جستجوی علوم انسانی، زیر نظر آیت الله علی عابدی شاهرودی، تهران: سمت، ۱۳۹۹. نمونه دیگری از کاربرد اسکولاستیک اپیستمیک حکمت عملی در تخالف آشکار با فرونسیس، نک: حسام الدین شریفی و منصوره برادران مظفری و حسن معلمی، «جایگاه و روش شناسی حکمت عملی از دیدگاه فارابی»، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسلامی، دوره ۵، ش ۱۶، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۰۵ تا ۱۲۴. برای آشنایی با خوانشی غیراپیستمیک و ضد اپیستمیک از قرآن و عقلانیت و فلسفه اسلامی، نک: عبدالجواد فلاطوری، دگرگونی بنیادی فلسفه یونان در برخورد با شیوه اندیشه اسلامی، ترجمه محمدباقر تلغری زاده، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲ و همچنین سعید زیباکلام، افسانه های بیشتر، تهران: اسم، ۱۳۹۷.

با تکیه بر این غنای زبان فارسی کلمهٔ فرونیسیس را به حکمت عملی برگردانیم. به علاوه، برخلاف تصور شایع، اصطلاح حکمت عملی در فلسفهٔ سیاسی اسلامی جایی ندارد و فارابی با تأکید بر جدایی مقام نظر از مقام عمل و منطق متفاوت آن‌ها، در کتاب فصول منتزعه تأکید می‌کند که واژهٔ حکمت در قلمرو امور نظری به کار می‌رود و در قلمرو امور عملی باید از واژگان دیگری مثل «تعقل» یا «جودهٔ الرأی» (تیزهوشی) استفاده کرد.<sup>۱</sup> بنابراین، باید گفت واژگان حکیم و حکمت عملی به فلسفه و معرفت نظری آلوده شده و معنایی علمی- معرفتی پیدا کرده است که با تعبیر فرونیسیس ارسطویی و با خوانش نوارسطویی فلوییر نسبتی ندارد و هم‌سو با اصطلاح «ناطقهٔ عملی» که فارابی آن را قوهٔ عقلانی در جهانی می‌داند که محصول اراده‌های انسانی است، عقل عملی با استقلال از عقل نظری را می‌توان معادل درست فرونیسیس دانست.

برخلاف رویکردهای سنتی که حکمت عملی را حکمت نظری کاربردی<sup>۲</sup> تلقی می‌کنند و با فرونیسیس آشنایی ندارند، مترجمان متون غربی برای پرهیز از این سوءتفاهم معادلهای دیگری را برای آن به کار برده‌اند. در ترجمهٔ کتاب *Shadows of Power: An Allegory of Prudence in Land-Use Planning*<sup>۳</sup> که با رویکردی نسبتاً مشابه در همین حوزهٔ نظریهٔ برنامه‌ریزی شهری نوشته شده و در عنوان آن از معادل انگلیسی *prudence* به جای فرونیسیس استفاده شده است، کمال پولادی واژهٔ «دوراندیشی»<sup>۴</sup> و عباس منوچهری و سعید نریمان «فراستمدی» را به عنوان

۱. ابونصر فارابی، فصول منتزعه، ترجمه و شرح دکتر حسن ملکشاهی، تهران: سروش، ۱۳۸۳، بند ۳۴.

۲. Applied epistemic philosophy

۳. Hillier, J. (2003). *Shadows of Power: An Allegory of Prudence in Land-Use Planning*. (n.p.): Taylor & Francis.

۴. جین هیلیر، سایه‌های قدرت؛ حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی، ترجمهٔ کمال پولادی، تهران: جامعهٔ مهندسان مشاور ایران، ۱۳۸۸.

معادل فرونسیس برگزیده‌اند<sup>۱</sup> و نریمان جهان‌زاد با نامیدن مجموعه مقالات فلویبر تحت عنوان «فرونسیس، برنامه‌ریزی و قدرت» اصل این اصطلاح را ترجیح داده است.<sup>۲</sup> با این حال، بر اساس آنچه گفته شد، ما جز در فصل‌های نخستین که زمینه بحث، یونانی است و اصل اصطلاح فرونسیس را عیناً ذکر کردیم، در فصول بعدی آن را به «عقل عملی» ترجمه کرده‌ایم. عقل عملی همان طور که در برداشت اولیه فارسی‌زبانان به ذهن می‌رسد، قوه‌ای انضمامی و عملی و غیرنظری است که بر اثر تجربه، شهود عملی، فهم ضمنی زمینه‌ها، درگیری بدنی با جهان انضمامی و داوری در موقعیت‌های خاص به تدریج در میان استادان حرفه‌ها و فعالیت‌های مختلف رشد می‌کند و به همین دلیل است که خواننده عادی فارسی‌زبان بهتر از متخصصان مضامین این کتاب را درک خواهد کرد؛ چراکه متخصصان تحصیل‌کرده تنها تربیتی تئوریک دارند، عمدتاً هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ تجربه زیستی در حبابی نظری (اپیستمیک) زندگی می‌کنند و به تعبیر هانا آرنت، در طول عمر تنها به ستایش حیات نظری مشغول‌اند و از تجربه زندگی پیش‌بینی‌ناپذیر و هر دم تازه وقف عمل بی‌مناک‌اند.<sup>۳</sup>

با توجه به ترجمه فرونسیس به عقل عملی، «علوم اجتماعی فرونتیک» را که تز اصلی فلویبر در این کتاب است، به «علوم اجتماعی مبتنی بر عقل عملی» برگردانیم و اسم فاعلی فرونسیس، یعنی فرونیموس (در انگلیسی prudent به معنای دوراندیش و باحزم) را که در موارد معدودی در متن به کار رفته است، به «عاقل عملی» ترجمه کردیم. در زبان روزمره فارسی، واژه عاقل در مقایسه با

۱. عباس منوچهری و سعید نریمان، «شهروندی به مثابه دلالت‌های هنجاری توسعه‌فراسمند»، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش سیاست نظری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، دوره ۱۵، ش ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۴۵ تا ۲۷۲.

۲. بنت فلویبر، برنامه‌ریزی فرونسیس قدرت، ترجمه نریمان جهان‌زاد، تهران: کتابکده کسری، ۱۳۹۸.

۳. هانا آرنت، وضع بشر، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس، ۱۳۹۹.

فیلسوف و حکیم و دانشمند که به تحصیل‌کردگان علم رسمی و دارندگان معرفت نظری اطلاق می‌شود، در معنای انضمامی و عمومی به معنای دارنده عقل عملی است و در میان سه اصطلاح «عقل» و «عاقل» و «معقول»، معنای عملی «عاقل» کمتر از بقیه تحت تأثیر فلسفه نظری تخریب شده است.

۴. خانواده واژگان مربوط به «تخنه» و «مهارت» را هیوبرت دریفوس توسعه مفهومی داده است و در این کتاب پیوسته به آن‌ها ارجاع داده می‌شود. ترجمه تخنه یونانی، به «فن» و ترجمه مشتقات آن، مثل «تکنیک» و «تکنولوژی»، به «فنی» و «فناوری»، کاربردی معمول و مناسب دارد؛ هرچند کلمه «فناوری» برخلاف «تکنولوژی»، آمیختگی تخنه و ایستمه را که در واژه اصلی وجود دارد، به ذهن متبادر نمی‌کند. اما مسئله در ترجمه سطوح پنج‌گانه یادگیری دریفوس است. در دو اثر مهمی که از دریفوس ترجمه شده است، مترجمان در مقایسه با ما این معادل‌ها را برای اصطلاحات دریفوس برگزیده‌اند:

ترجمه فارسی نژاد	ترجمه خوش‌نویس	ترجمه حاضر
مبتدی	مبتدی	تازه‌کار
مبتدی پیشرفته	نوآموز پیشرفته	مبتدی معرج
کاردانی	توانمندی	ورزیدگی
مهارت	تبحر	کارآزمودگی
تخصص	خبرگی	استادی

۱. هیوبرت دریفوس، درباره اینترنت، ترجمه علی فارسی نژاد، تهران: ساقی، ۱۳۸۳.
۲. هیوبرت دریفوس، ذهن برتر از ماشین؛ قدرت شهود و خبرگی انسانی در عصر رایانه، ترجمه یاسر خوش‌نویس، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
۳. در ویرایش دوم کتاب درباره اینترنت یک مرحله Mastery به این پنج مرحله افزوده شده و در ویرایش اول علاوه بر آن، یک مرحله هفتم Practical Wisdom هم دیده می‌شود؛ اما چون در کتاب ذهن برتر از ماشین و این کتاب سخنی از آن‌ها به میان نمی‌آید، در این جدول به آن اشاره‌ای نکردیم.

در ترجمه این اصطلاحات تمام توجه ما معطوف به این بوده است که معنای موردنظر دریفوس، یعنی آلوده نشدن مراحل یادگیری به اصطلاحات مَدَرسِی و کلاسی و آموزش رسمی و نیز دستی و یدی و بدنمندانانه بودن مهارت‌ها، در انتقال به زبان فارسی حفظ شود. نکته جالب توجه اینکه زبان فارسی از این حیث ظرفیت بالایی دارد و می‌توان تا حد امکان از واژگانی مثل کاردانی، تخصص، خبرگی، نخبگی و تخصص که در فارسی کنونی به تحصیلات آکادمیک مربوط شده است و جنبه آموزش نظری دارند، اجتناب کرد و واژگان کلی تری مثل توانمندی یا مهارت را کنار گذاشت و متناسب با مراحل رشد چیره دستی موردنظر دریفوس به ترتیب از اصطلاحات «مبتدی / مبتدی مجرب / ورزیده / کارآموده / استاد» برای توضیح مراحل تدریجی یادگیری عملی استفاده کرد. اینکه واژگان یادگیری عالی دریفوسی نباید در نظام آموزشی رسمی ما کاربرد داشته باشد، نکته بسیار مهمی در ترجمه است تا بر پایه آن بتوان به اهمیت و سترگی نقد دریفوسی-فلویری بر آموزش قاعده محور پی ببریم که کلیت نظام آموزشی پایه و عالی، سنتی و مدرن، حوزوی و دانشگاهی ایرانی را در بر گرفته است. در واقع، شکاف نظر و عمل در سیستم آموزشی ما نهادینه است و اساساً بر پایه همین شکاف و به طور وارونه‌ای با تأکید بر آموزش نظری و در خلاف جهت یادگیری موردنظر دریفوس، نظام آموزشی و آموزش عالی ما مشروعیت و اعتبار خود را حفظ و تثبیت کرده است. آموزش حرفه‌ای در ایران به آموزش فنی و حرفه‌ای محدود شده است و به استثنای آموزش پزشکی که به‌ویژه پس از دفاع مقدس تاریخ منحصر به فردی دارد، اساس کل نظام آموزشی ما به سه مرحله ابتدایی، یادگیری نظری و قاعده محور محدود مانده است و همان طور که فلویر نیز در همین کتاب تأکید می‌کند، این تأکید بر عقلانیت نظری-تحلیلی می‌تواند در رشته‌هایی چون مدیریت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مهندسی، پزشکی و حقوق به فاجعه بینجامد.

1. vocational

۵. کلمات «ایده‌آل و ایده‌آلیسم در این متن در کنار رویکردهای مبنایگرایانه / حقیقت‌گرایانه / جهان‌شمول و در تضاد با رویکردهای زمینه‌گرا / واقعیت‌گرا / ارزشی استفاده شده است و بنابراین، ترجمه آن‌ها به واژگان «آرمانی» و «آرمان‌گرا» غلط فاحشی است. بر همین سیاق، ترجمه «اتوپیا» به «آرمان‌شهر» نیز در اینجا نادرست است و از معادل «ناکجاآباد» برای آن استفاده کردیم. متأسفانه تفاوت ظریف میان آرمان‌شهر، که در زمینه عقل عملی مثلاً به صورت مدینه فاضله فارابی به کار رفته است و اتوپیا که در چهارچوب فلسفه‌های ایده‌آلیستی عقلانی سنتی و مدرن مطرح می‌شود، از سوی خوانش‌گران ایرانی فلسفه سیاسی کلاسیک اسلامی همچون رضا داوری اردکانی و جواد طباطبایی مورد توجه قرار نگرفته است و همچون تفاوت عقل عملی با حکمت عملی، باعث شده که آرمان‌گرایی فرونتیک نیز ذیل حکمت‌اندیشی ایدئولوژیک کاربردی و اتوپایی به محاق برود.

۶. تفاوت میان دانش «knowledge» و علم «science» بسیار مهم است؛ چون دومی ایپستیمیک و نظری و در واقع طبیعیات نظری است، ولی اولی می‌تواند کاملاً ضمنی و شهودی باشد. همین طور به سیاق تفکیک مهمی که هانا آرنز مطرح کرده است،<sup>۱</sup> میان «فکر» و «اندیشه» تفاوت قائل شدیم که اولی معادل intellectual و thinking است و می‌تواند موقعیتمند باشد؛ ولی دومی نظری و با تئوری در نسبت است.

۷. واژه «reflective thought» اصطلاحی خاص است که اهمیت بسیاری در کار فلویبر دارد و در مقابل نظریه‌پردازی مآلوف سوبجکتیو دکارتی‌کانتی در نسبت با نوعی تفکر عملی انتقادی در اخلاق فوکویی مطرح می‌شود که در منطق درونی تحلیلی گرفتار نشده است و به زمینه رویش معرفت نیز توجه دارد و به همین دلیل، به سادگی نمی‌توان آن را همچون عمده مترجمان آثار پیر بوردیو، به «بازاندیشی» و

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: هانا آرنز، وضع بشر، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس، ۱۳۹۰.

«بازاندیشانه» ترجمه کرد. با این حال، معادل دیگری که توسط برخی دیگر از مترجمان پیشنهاد شده، یعنی «تأمل ازتابی»، مناسب‌تر است؛ چون به این نوع تفکر انتقادی عقب‌رونده و معطوف به خاستگاه عملی و زمینه شکل‌گیری فکر نزدیک‌تر است.

\*\*\*

لازم به ذکر است که در کل متن هرآنچه در پیرانتز آمده، توضیحاتی است که فلویبر به نقل قول‌ها افزوده و هرآنچه در قلاب و در پاورقی آمده، افزوده مترجم است و پی‌نوشت‌های فلویبر همچون متن اصلی در انتهای کتاب درج شده است. ترجمه این کتاب محصول تلاش مشترک من و همکارم، امیرحسین بازوبندی، است که با پشتکار و جدیت، برگردان اولیه متن را برای ترجمه و تطبیق در اختیار من قرار داد. با این حال، مسئولیت همه خطاها و اشتباهات احتمالی برعهده نگارنده است و امیدوارم با گوشزد خوانندگان فرهیخته در چاپ‌های بعدی مرتفع شود. در پایان، لازم می‌دانم که از پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ویراستار محترم این انتشارات، آقای پوریا گل‌شناس و دوست عزیزم دکتر میثم مهدیار، به خاطر حمایت از ترجمه و چاپ این اثر، خانه اندیشه‌ورزان ایران به خاطر امکانی که در حمایت از انتشار یک کتاب از برندگان اولین جایزه ملی سیاست‌گذاری فراهم کردند، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی به خاطر فراهم آوردن محیط موردنیاز برای اتمام کار، و همین‌طور سرویراستار محترم انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، سرکار خانم یاسینی، بابت انجام مذاکرات لازم با انتشارات دانشگاه کمبریج برای اخذ کپی‌رایت انتشار ترجمه قانونی کتاب در ایران تشکر کنم. و به‌ویژه سپاسگزارم از همسرم فاطمه، دو دخترم زینب و نورا و پسر نوزادم، علیرضا که در ایام محنت‌بار خانه‌نشینی کرونایی، چراغ دلم تنها به فروغ دیده‌های آن‌ها روشن بود.

محمدحسین بادامچی

آذر ۱۴۰۰

گلستان اول، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی



به یاد رجینا فلوپیر نی کراکاور<sup>۱</sup>



ذهنی که به ایده نویی کشیده می شود، هرگز به حالت نخستین خود بازمی گردد.  
اولیور دبلیو. هولمز<sup>۲</sup>

1. Regina Flyvbjerg nee Krakauer
2. Oliver W. Holmes

## تقدیر و تشکر

در اینجا، بنا دارم از همهٔ افراد، سازمان‌ها و مؤسسات بسیاری تشکر کنم که نگارش این کتاب را میسر ساختند. ابتدا باید به‌ویژه از آلن وولف<sup>۱</sup>، از دانشگاه بوستون تشکر کنم که مرا به ترجمهٔ نسخهٔ اصلی دانمارکی کتاب به انگلیسی تشویق کرد که به این ویرایش گسترش یافته، بازبینی شده و به‌روزشده انجامید. من همچنین می‌خواهم از هیوبرت و استوارت دریفوس<sup>۲</sup>، از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی تشکر کنم، به خاطر صبر و شکیبایی‌شان در مصاحبه‌ها و مباحثاتمان که ایده‌هایی را که بعداً محور این کتاب شد، اولین بار در آنجا مطرح کردم. استیون لوکس<sup>۳</sup> از من دعوت کرد که نظراتم دربارهٔ قدرت را برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان مؤسسهٔ دانشگاه اروپایی فلورانس<sup>۴</sup> عرضه کنم و بازخوردهای ارزشمندی را از او و دیگران گرفتم. سی رولند کریستنسن<sup>۵</sup>، پدر روش مطالعهٔ موردی در هاروارد، هرگز از حمایت من در مسیر سخت درک و به‌کارگیری رویکرد موردی در پژوهش و آموزش دست نکشید.

همچنین باید از سازمان دهندگان، ارائه‌دهندگان و شرکت‌کنندگان در گردهمایی تابستانی موقوفهٔ ملی علوم انسانی<sup>۶</sup> تشکر کنم که با موضوع «ایدهٔ علوم اجتماعی، ۴۰ سال بعد» در دانشگاه میسوری، سنت لوئیس، در ژوئن الی ژوئیه ۱۹۹۸ برگزار شد. جیمز بومن<sup>۷</sup> و پل روث<sup>۸</sup> سخاوتمندانه از من برای اقامت در این مؤسسه دعوت کردند که موهبتی دقیقاً در زمان مناسب برای اتمام کتاب بود. چند سال پیش، در تهیهٔ مقاله‌ای که طرحی کلی از ایده‌هایی بود که در نهایت به صورت متن حاضر توسعه یافت، از نظرات دانیل بل<sup>۹</sup>، ریچارد برنشتاین<sup>۱۰</sup>،

1. Alan Wolfe

2. Hubert and Stuart Dreyfus

3. Steven Lukes

4. European University Institute in Florence

5. C. Roland Christensen

6. National Endowment for the Humanities Summer Institute

7. James Bohman

8. Paul Roth

9. Daniel Bell

10. Richard Bernstein

جان فریدمن،<sup>۱</sup> هانس گئورگ گادامر،<sup>۲</sup> آنتونی گیدنز،<sup>۳</sup> السدر مک‌این‌تایر،<sup>۴</sup> لیزا پیتی،<sup>۵</sup> مارتین واپس،<sup>۶</sup> و آرون ویلداوسکی<sup>۷</sup> بهره بردم. (۱) همکاران من در دانشگاه آلبورگ، فین کیرسدام<sup>۸</sup> و هانس گلستروپ<sup>۹</sup> بخش‌های زیادی از اولین پیش‌نویس کتاب را خواندند و نظرات آن‌ها در کمک به بهبود نسخه اصلی دانمارکی بسیار ارزشمند بود.

همچنین می‌خواهم از افراد زیر به خاطر کمک‌هایشان در مراحل مختلف این روند تشکر کنم: اریک آلبوک، یوهانس اندرسن، روبرت بورگارد، اینگر بو، پیتر بوگاسون، ایرین کریستینسن، پیتر مونک کریستینسن، ویلیام کانولی، میچل دین، رافائل فیشر، هنریک و جان فلوییر، جان فورستر، گری گاتینگ، مارتن هاجر، گورم هارست، دیوید هوی، مارگو هاکسلی، ندی جمیسون، مارتین جی، کارستن فریس یوهانسن، ایب یورگنسن، توربن بک یورگنسن، تری کلی، پیتر لسمن، برونو لاتور، سیمون جیمز میلر، پیتر میلر، توماس آزیورن، مورتن راگتیود پترسن، یورگن پریمدال، تیم ریچاردسون، نیل ریچمن، استفان رزباخ، جوزف روس، بیش سانیا، آپراد ساکولکرای، جیمز تروگمورتون و ارن بیفتاشل. افزون بر این‌ها، دو ارزیاب ناشناس دانشگاه کمبریج هم نظرات و پیشنهادهای بسیار مفیدی برای تهیه نسخه نهایی مقاله به من دادند.

ملاحظات نظری و روش‌شناختی این کتاب همواره درون مطالعات تجربی‌ای توسعه یافته است که در آن‌ها نظریه و روش مورد آزمون و بازبینی مجدد قرار گرفته است. مایلم از بسیاری از افراد و سازمان‌هایی تشکر کنم که تجربیات، زمان و بایگانی‌های خود را در اختیار این مطالعات قرار داده‌اند. پس از توسعه

1. John Friedmann

2. Hans-Georg Gadamer

3. Anthony Giddens

4. Alasdair MacIntyre

5. Lisa Peattie

6. Martin Wachs

7. Aaron Wildavsky

8. Finn Kjærdsdam

9. Hans Gullestrup

رویکرد کتاب در بستری قاره‌ای و آنگلو ساکسونی، فرد لریس<sup>۱</sup> و تومسیفو ننکیا<sup>۲</sup> از دانشگاه دارالسلام و یورگن آندریسن<sup>۳</sup> از آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک، این فرصت منحصر به فرد را در اختیارم گذاشتند که در مورد مزایا و معایب رویکردم در صورت توسعه به محیط‌های دیگر عمیقاً بیاموزم. آنی بوسک نیلسن<sup>۴</sup> کمک ارزشمندی رساند برای آنکه ادبیاتی را بیابیم که این مطالعه بر اساس آن صورت گرفته است. لیلی گلاد<sup>۵</sup> و دورته مدسن<sup>۶</sup> بسیاری از پیش‌نویس‌های من را استادانه به نوشته‌های خواندنی تبدیل کردند.

نگارش و ترجمه کتاب با مساعدت‌های شورای تحقیقات ملی دانمارک، شورای تحقیقات علوم اجتماعی دانمارک، بنیاد کوئی<sup>۷</sup> و بنیاد دانشگاه یوتلند شمالی امکان پذیر شد. همچنین کمیسیون فولبرایت، بنیاد کارلسبرگ، بنیاد دانمارک-آمریکا، بنیاد اگمونت اچ پترسون<sup>۸</sup>، بنیاد ناد هاج‌گارد<sup>۹</sup> و کمک هزینه مسافرتی کریستین و اتیلیا برورسن<sup>۱۰</sup> از این کار پشتیبانی کردند. سرانجام، دانشگاه آلبورگ و دانشکده توسعه و برنامه‌ریزی آن پشتیبانی سخاوتمندانه‌ای از این کار کردند. ترجمه کتاب از دانمارکی به انگلیسی را استیون سامپسون<sup>۱۱</sup> با همکاری من انجام داد. او نه تنها بار دیگر ترجمه‌ای روشن و خواندنی تهیه کرد، بلکه درباره متن اصلی نیز توصیه‌های مفیدی را پیشنهاد کرد. سارا کارو<sup>۱۲</sup> و الیزابت هوارد<sup>۱۳</sup> سرویاستاران انتشارات دانشگاه کمبریج، در رسیدن کتاب به مرحله چاپ کمک شایانی کردند. در نهایت، زبان در قدردانی از محبت و مراقبتی که خانواده و دوستانم نثار من کردند، قاصر است. من از هرکسی که فراموش کرده‌ام در اینجا از او نام ببرم، پوزش می‌خواهم. مسئولیت هرگونه خطا یا کوتاهی در این کتاب تنها به عهده من است.

- |                       |                  |                                   |
|-----------------------|------------------|-----------------------------------|
| 1. Fred Lerise        | 2. Tumsifu Nnkya | 3. Jørgen Andreassen              |
| 4. Anni Busk Nielsen  | 5. Lilli Glad    | 6. Dorte Madsen                   |
|                       |                  | 7. Cowi Foundation                |
| 8. Egmont H. Petersen | 9. Knud Højgaard | 10. Christian and Ottilia Brorson |
| 11. Steven Sampson    | 12. Sarah Caro   | 13. Elizabeth Howard              |